

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران
Tel: ۰۰۴۹۱۶۲۵۱۱۲۰۲۵
E-mail: moasangaran@googlemail.com

۷۷۹

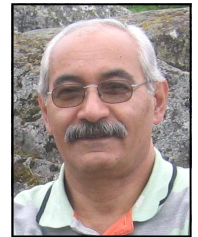
ایسکرا

Tel: ۰۰۴۹۷۲۰۰۷۷۶۵۴ تاشن تماس با ما

۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۴، ۱۳ مه ۲۰۱۵

سردبیر عبدال کلپریان

پاسخ به چند سؤال در مورد وقایع مهاباد



عبدال کلپریان

رسانیدن خود از طبقه چهارم این هتل به طبقه سوم و نجات خود از قصد تجاوز این مامور، نتوانست خود را به طبقه سوم برساند، به پایین سقوط کرد و جانباخت. بدنبال اعتراضات وسیعی که در شهر مهاباد بر سر این واقعه صورت گرفت، سپس به آتش کشیده شدن هتل تارا، ما شاهد این بودیم که در جریان این تجمع و تظاهرات ماموران حکومت دو نفر دیگر را بقتل رساندند و تعدادی را زخمی و عده زیادی را هم بازداشت کردند. مردم دیگر شهرهای کردستان تصمیم گرفتند که در حمایت از مردم مهاباد تجمع و اعتراضاتی را برپا کنند که بلافاصله حکومت اسلامی با میلیتاریستی کردن این شهرها مانع از این تجمعات شد. صفحه ۳

احمد رحمانی: شهر مهاباد در هفته گذشته صحنه اعتراض مردم و به آتش کشیدن یک هتل به اسم "هتل تارا" بود. این حادثه بدنبال آن صورت گرفت که دختر جوانی بنام "فریناز خسروانی" مهماندار هتل تارا، به محض مشاهده اقدام یک بازرس اطلاعاتی که قصد داشت او را مورد تجاوز قرار دهد، فریناز برای

تصاویری از شهرهای سردشت، سنندج و سقز!



نسرین رمضانعلی

مردم نسبت به مرگ فریناز خسروانی دختر جوانی که مورد تعرض جنسی یکی از مهره های اطلاعات رژیم قرار گرفته بود. فضای شهرهای کردستان در این

در روزهای گذشته شاهد اعتراضات وسیعی در شهرهای کردستان بودیم. از یک طرف حضور پررنگ معلمین در اعتراضات روز ۱۷ اردیبهشت و از سوی دیگر اعتراض گسترده و خشمگینانه

صفحه ۲

اگر آرمان خواهی سوسیالیستی نباشد!



طه حسینی

و آزاده به خیابانها آمدند و از این قتل شنیع ابراز تنفر کردند. قتل فریناز بدنبال فرخنده اتفاق دیگری است که در شهر مهاباد اینبار در کردستان ایران باعث تنفر و خشم مردم شد، شهر مهاباد خروشید و مردم شهر علیه این قتل به خیابانها آمدند. آتش زدن هتل

چندی پیش فرخنده در شهر کابل با مرگش بدست جانیان و آدمکشان اسلامی جهان را خروشان، قلب میلیونها انسان آزاده و عدالت خواه را همراه خود کرد، خشم و تنفر عظیمی علیه قوانین و آدمکشی اسلامی را باعث شد، میلیونها انسان شریف

صفحه ۷

بیانیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری در مورد وقایع مهاباد

از سوی دیگر فرماندار مهاباد وقتیکه خشم و تنفر عمومی مردم را بو کشید سراسیمه در نقش قاضی دادگاه ظاهر شد و اعلام کرد که "اعمال اتوریته میکنم به دادسرای شهرستان مهاباد اعلام

برانگیخته است. مقامات جمهوری اسلامی طبق سنت و سیاست همیشگی تلاش کردند کشته شدن فریناز را با سناریوهای نخ نما سرهم بندی کنند. از یک سو گفتند فریناز سر خورده و به پایین سقوط کرده است و کسی مقصر نیست و

مردم مبارز و آزادیخواه! تلاش یکی از عوامل وزارت اطلاعات برای تجاوز به فریناز خسروانی که به مرگ فریناز منجر شد، موجی از خشم و اعتراض مردم نه تنها در مهاباد بلکه در کردستان و در سراسر کشور

صفحه ۲

اعتصاب معلمان در شهرهای کردستان گذشته و آینده



نسان نودینیان

اعتراض به وضعیت نامناسب معیشت و منزلت و امنیت خود دست به اعتصاب سراسری زدند. پیش درآمد فراخوان به اعتصاب، طومار اعتراضی معلمان با بیش از ۶۰۰۰ امضا در هشتم دی ماه بود که برای رئیس مجلس ارسال کرده بودند. خواست و مطالبات معلمین در دو حوزه به جامعه معرفی شد. در حوزه رابطه معلمین با آموزش و پرورش و دولت؛ مشکل تحصیلات و عدم امکانات و کافی نبودن هزینه

معلمین از روزهای سه شنبه و چهارشنبه ۳۰ دی و اول بهمن ماه ۹۳، در بیشترین استانها در

صفحه ۵

نگاه هفته این شماره:

مجموعه ای از اطلاعاتی ها و اخبار مربوط به وقایع مهاباد و شهرهای کردستان

صفحه ۶

اعتراض در شهرهای سلیمانیه و اربیل در دفاع از مردم مهاباد!

بدنبال اعتراض دو روزه مردم آزادیخواه شهر مهاباد و حمله وحشیانه نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی به مردم، در روزهای نهم و دهم ماه

اخبار هفتگی از رویدادهای کردستان عراق



تهیه و تنظیم: یدی محمودی
yadi.mahmodi@gmail.com

صفحه ۱۰

تجمعات گسترده و هزاران نفره معلمان در شهرهای کردستان

صفحه ۵

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



محروریت جریان دارد. این بخشی از خشم فرو خورده مردم علیه تجاوز و علیه قتل‌های سازمان‌یافته حکومتی است که يك سر آن در خرمشهر، تهران و کهریزک و سر دیگر آن در مهاباد است. مردم در سراسر کشور انگشت را بطرف بالاترین مقامات حکومت میگیرند و در این وقایع همبستگی خود در سراسر کشور را برای سرنوشتی کل این نظام تحکیم میکنند.

نه تنها خانواده فریناز خسروانی و مردم مهاباد بلکه تمامی مردم در سراسر ایران کوچکترین اعتمادی به سیستم قضایی حکومتی ندارند. مردم خواهان این هستند که مقامات حکومتی علنا و رسماً مسئولیت این جنایت را به عهده بگیرند و از مردم و خانواده فریناز و دیگر قربانیان این واقعه معذرت خواهی کنند. از نظر ما و مردم تنها مرجع صلاحیت دار رسیدگی به این فاجعه نمایندگان واقعی مردم در شهر مهاباد هستند. قطعا در چنین شرایطی برای کشف تمام حقایق، محاکمه علنی خواهد بود.

اقدام بحق مردم مهاباد بخشی از حرکت سرنوشتی طلبانه کل جامعه است. اعتراضات و خشم فرو خورده مردم در مبارزات زنان و کل جامعه علیه اسیدپاشی، علیه تجاوز و علیه قتل‌های سازمان‌یافته حکومتی که يك سر آن در اصفهان و تهران و سر دیگر آن در مهاباد است، بطور روزمره در سراسر کشور جریان دارد. اعتراض و مبارزه مردم مهاباد و همبستگی مردم آزاده در شهرهای دیگر ایران همچنان بقوت خود ادامه خواهد داشت.



کرده است. این تقلابها اما نشان از هراس و دستپاچگی سران حکومتی است که اگر ده سال قبل جسد شوانه قادری را روی زمین میکشاندند تا مردم را مرعوب کنند، امروز اما بلافاصله حکم بازداشت مامور خود را میدهند و از مردم دلجویی میکنند. دوران قلدلرمنشی حکومت به پایان رسیده است و اینرا مردم مهاباد و مردم در سراسر کشور میبینند و صفوف خود را برای بزرگ کشیدن این حکومت آماده میکنند.

مردم بدرست کل حکومت و قوانین دم و دستگامی را پشت کشته شدن فریناز میبینند که زن را از هر حقی محروم کرده و با سرکوب مردم و مقابله با تشکل های آنها، دست مزدوران و لمپن های اطلاعاتی و نظامی خود را برای هر تجاوز و جنایتی باز گذاشته است. آتش زدن هتل تارا اقدام جوانان و مردم جسور و حق طلب مهاباد علیه کل این حکومت و در عین حال زهر چشم گرفتن از سرمایه داران مرتجع بود که با همدستی با مزدوران حکومت و با قربانی کردن مردم، سود و سرمایه خود را کرور کرور بالا میبرند. این بخشی از اعتراضی است که در اصفهان در مقابل اسیدپاشی به زنان و در خوزستان در مقابل جنایات بی‌شمار و هر روزه علیه مردم و در تهران و در سراسر کشور علیه فقر و سرکوب و

کردیم که قرار وثیقه سنگینی برای متهم صادر کنند و فرد خاطی دستگیر و با وثیقه سنگین و تا روشن شدن موضوع در بازداشت نگه داشته میشود.

اما این فرد خاطی کیست؟ چه کاره است؟ چه مسئولیتی در وزارت اطلاعات داشته است؟ صاحب هتل چه نقشی در این جنایت داشته است؟ همه اینها را مردم باید بدانند. مردم کوچکترین اعتمادی به سیستم قضایی حکومت ندارند و خواهان آزادی عمل برای ایجاد يك کمیته حقیقت یاب و حضور مستقیم در بازجویی از عاملین این جنایت، گزارشدهی به جامعه و معرفی و محاکمه سریع و علنی متهمین این جنایت هستند.

فرمانداری که امروز اشک تمساح میریزد همان کسی است که دستور تیراندازی و سرکوب مردم را صادر کرد و مستقیماً دستش به خون کسانی که در تظاهرات روز ۱۷ اردیبهشت کشته و زخمی شدند آلوده است. مردم خواهان محاکمه فرماندار آدمکش مهاباد و معرفی و محاکمه کلیه آمرین و عاملین جنایت در روز ۱۷ اردیبهشت هستند.

جمهوری اسلامی در وحشت از شعله ور شدن خشم و اعتراض مردم، شهرهای کردستان را بشدت نظامی

کنند و انزجار خود را علیه کلیت این نظام هار اسلامی اعلام دارند. طی روزهای گذشته دهها نفر در شهرهای کردستان تحت عناوین مختلف دستگیر شده اند. دهها نفر احضار شده اند. دهها نفر تلفنی تهدید شده اند. ما باید يك صدا اعلام کنیم دیگر بس است! دیگر بس است جنایت، دیگر بس است سرکوب، دیگر بس است زندان و شکنجه، باید زمین را زیر پای این جانوران اسلامی داغ کرد.

زنده باد مردم جسور و مبارز شهرهای کردستان!
زنده باد آزادی و برابری!
زنده باد سوسیالیسم!

روزها بشدت امنیتی شده است، در مقابل هر تجمع چند نفره سریع نیروهای انتظامی وارد عمل میشوند و مردم را پراکنده میکنند. باید به این فضای امنیتی و این حکومت نظامی اعلام نشده پایان داده شود. "مهاباد تنها نیست"، شعار این روزهای مردم شهرهای کردستان بود است. اما امروز باید شعار این باشد شهرهای کردستان تنها نیستند! از تمامی انسانهای آزادیخواه و برابری طلب، از تمامی وجدانهای بیدار، از تمامی فعالین حقوق مدنی و انساندوست می‌خواهم با شعار "مردم شهرهای کردستان تنهات نمیگذاریم"، مردم شهرهای کردستان را حمایت

جمهوری اسلامی در وحشت از

شعله ور شدن خشم و نارضایتی مردم سراسر کشور، شهرهای کردستان را امنیتی کرده است. این تقلابها نشان از هراس، زبونی و دستپاچگی سران حکومت دارد. از منظر مردم آزادیخواه و برابری طلب، نظامی کردن شهرها به معنای دیگری گویای قبول کردن جنایت و جنایتهای متعددی است که حکومت اسلامی هر بار با بروز چنین وقایعی و از ترس سربرآوردن حرکت‌های اعتراضی عظیم توده های مردم بستوه آمده، توپ و تفنگش را بر مردم میکشد. اما باید بدانند که دوران قلدلرمنشی اش به پایان رسیده است. مردم مهاباد ساکت نخواهند ماند چرا که حمایت مردم مبارز شهرهای کردستان و سراسر کشور را

با خود دارند.
کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری یکبار دیگر خود را در غم از دست دادن فریناز عزیز شریک میداند، به خانواده و بستگانش صمیمانه تسلیت میگوید و مردم آزادیخواه کردستان و سراسر کشور را به حمایت از مردم مهاباد فرامیخواند.

سرنگون باد
رژیم جمهوری اسلامی
زنده باد
مبارزات آزادیخواهانه مردم
کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری
۱۹ اردیبهشت ۹۴
۹ مه ۲۰۱۵

حزب کمونیست کارگری نماینده آرزوها و خواستههای پایمال شده مردم محروم است.

حزب کمونیست کارگری حزب میلیونها کارگری است که کار میکنند و خود از نعماتی که خود ساخته اند محرومند! حزب کمونیست کارگری صدای همه مردمی است که آرزوهای ساده و انسانی شان سرکوب شده است! این حزب صدای میلیونها کارگر و جوان و بیکاری است که بازار سرمایه آنها را وا زده است و اسیر بیکاری و فقر و محرومیت شده اند. صدای کودکان محروم شده از شادی و تحصیل، صدای زنانی که فقر و محرومیت آنها را به تن فروشی ناچار میکنند، صدای جوانانی که در اوان زندگی از شادی و رفاه و آزادی محروم میشوند. صدای آنهایی که اعدام شده اند و دیگر صدایی ندارند!

به حزب کمونیست کارگری پیوندید. دست در دست هم جامعه ای بسازیم که در آن اعدام و زندان معنایی نخواهد داشت. هیچ کس از تحصیل و مسکن و دارو و درمان محروم نخواهد بود. آزادی بی قید و شرط است و همه مردم از طریق شوراهایشان قانون گزار و تصمیم گیرنده و اختیار دار جامعه خواهند بود. جامعه سوسیالیستی که به تاریخ نوحش و بهره کشی و جنایت و سرکوب اقلیت متفقون مهر پایان خواهد کوید!



حاکمیت این رژیم غم انگیز تر از این حرفهاست.

احمد رحمانی: چرا مردم در قدم اول هتل را آتش زدند و بعد به وزارت اطلاعات حمله کردن (طبق شواهد میدیایی). نظر شما در این مورد چیست؟

عبد گلپریان: مردم در قدم اول هتل را آتش زدند بلکه در قدم اول منتظر واکنش مقامات محلی حکومت در مهاباد بودند که ببینند برای محاکمه و مجازات بازرس اطلاعاتی چه اقدامی صورت می دهند؟ اما نه تنها هیچ اقدامی برای روشن شدن مسئله از خود نشان ندادند بلکه با سرهم بندی کردن سناریوهای ساختگی سعی در به انحراف کشاندن اصل ماجرا را داشتند. سپس فرماندار مهاباد چون فهمید که مردم به بی تفاوتی مقامات قضایی و غیره معترض هستند و امکان تجمع اعتراضی در میان مردم دارد بالا میگیرد، از ترس و وحشت از مردم اعلام کرد که: «اعمال اتوریته میکنم به دادسرای شهرستان مهاباد اعلام کردیم که قرار وثیقه سنگینی برای متهم صادر کنند و فرد خاطی دستگیر و با وثیقه سنگین و تا روشن شدن موضوع در بازداشت نگه داشته میشود.» اما باز هم حرکت جدی و قاطعی که پاسخ قانع کننده ای برای مردم مهاباد در بر داشته باشد صورت نگرفت.

مردم مهاباد نیز وقتیکه اوضاع را اینچنین دیدند و از آنجا که وعده های سرخرمن مقامات دولتی را خوب می شناسند تصمیم گرفتند دست به تجمع اعتراضی بزنند. در جریان تظاهرات و کشیده شدن تجمع به جلو هتل، ماموران مسلح رژیم فضای تجمع اعتراضی مردم را با تیراندازی پاسخ دادند و اینجا است که مردم خشمگین و معترض مهاباد وقتی دیدند دستگاه قضایی وقت گذرانی میکنند و از سوی ماموران سرکوب رژیم نیز برای

پاشیدن در چشم مردم این ظرفیت را در خود دارند که دست به هر جنایتی بزنند. اما آنچه که تا کنون در مورد شیوه بقتل رسیدن فریناز مورد بحث در میان مردم است، همان است که اشاره کردم.

احمد رحمانی: صاحب هتل بدون شک در مورد همه مشکلات فردی کارکنانش خبر دارد و میخواهم بدانم ارزیابی شما در مورد نقش و جایگاه صاحبکار در این حادثه وحشتناک چی هست؟

عبد گلپریان: طرح این سؤال که صاحب هتل ممکن است از مشکلات کارکنان هتل آگاهی داشته یا نه؟، بنوعی کندو کاو در مورد فریناز و کارکنان هتل را در خود دارد. به گونه ای عنوان شده است که نشان دهد فریناز مشکلاتی داشته و صاحب کار هم باید از آن مطلع میبود و بنوعی آدرس خودکشی و یا دور نگه داشتن مسببین فاجعه را بیشتر عنوان میکنند. بنظر من طرح چنین سؤالی قبضه را پیچیده میکند در این مورد هم باید بگویم فریناز یا هر کارمند و کارگری که در این هتل مشغول بکار بوده و حتی مشکلات فردی و خصوصی هم داشته باشند، نه به مالک هتل مربوط است و نه به هیچ کس دیگری. مالک هتل از آنجا که خود در تلبانی با فرد تجاوزگر اطلاعاتی رژیم خواهان ارتقای موقعیت هتل خود از چهار ستاره به پنج ستاره بوده و قطعا برای رسیدن به سود و سرمایه هرچه بیشتر، برایش بسیار عادی بوده است که کارگر هتل را آنهم کسی چون فریناز را بعنوان پاداش به مامور اطلاعاتی، او را قربانی این معامله کثیف بکنند. در نظام جمهوری اسلامی این دست از اتفاقات و این دست از طرح و ترفندهای ضد انسانی علیه مردم بویژه زنان و دختران هیچگونه حد و مرزی ندارد. داستان زندگی ریحانه جباری و صدها نفر دیگر و کلا زنان در جامعه اسلام زده ایران تحت

محاکمه فرد مزاحم و متجاوزگر شده باشد؟. در اسلام بخودی خود زن بودن جرم است چه رسد به اینکه زن برود و از فرد متجاوز و در قامت مامور اطلاعات اسلامی درخواست دادخواهی بکند! آیا شکایت فریناز از این بالاتر میتواند باشد که بخاطر فرار از تعرض جنسی مامور حکومت و برای نجات جان خود از نقشه ای که برایش طراحی کرده بودند، سرنوشتش به آنجایی کشید که نمی بایست کشیده میشد؟. این را هم باید اضافه کرد که شکایت یک زن یا هر شخصی از مامور دولت آنهم یک بازرس در نظام جمهوری اسلامی، میتواند عاقبت دلخراش تری از آنچه که بر سر فریناز آمد داشته باشد. کسانی که به عمد یا از سر سادگی چنین سؤالی را مطرح میکنند، آیا از خود پرسیده اند که اگر هم حتی زنی لب به شکایت نگوید، آنها فریاد برآورده اند و بگویند، این چه قانون، سنت و فرهنگ کثیفی است که باید فردی در مقام مامور حکومتی تا این حد بخود اجازه بدهد و برای شخص دیگری مزاحمت ایجاد کند و در این مورد مشخص به قصد تجاوز به یک دختر کارگر که منجر به از دست دادن جانش شد چنین فجایی را بوجود می آورد؟. آیا کسیکه چنین سؤالی را طرح میکند این را نمی داند که زندگی و سرنوشت هزاران زنی که لب به شکایت، طلاق و صدها درد دیگر گشوده اند، در کجای این نظام جهنمی کوچکترین حقی برایشان در نظر گرفته شده است و کجا پاسخی گرفته اند؟.

احمد رحمانی: آیا فریناز برای فرار از دست فرد متجاوز خود را پرت کرده و یا اینکه کسی یا کسانی برای لاپوشانی این تجاوز او را از طبقه چهارم پرت کرده اند؟

عبد گلپریان: تمام شواهد و قرائن این را بیان میکنند که فریناز خسروانی برای نجات خود تلاش کرده است خود را به طبقه سوم برساند اما موفق به این کار نشده و سقوط کرده است. از طرف دیگر تا آنجا که به سابقه پیش از سه دهه از سیاست و عملکرد ضد انسانی جمهوری اسلامی، مقامات و مامورانش برمیسگرد، آنان برای لاپوشالی کردن واقعیات و خاک

از صفحه ۱ پاسخ به چند سؤال ...

ماجرای از سوی جبهه ای است که خود بانی و مسبب چنین جنایاتی است و ابدا واقعت ندارد. اگر حتی فرض را هم بر این بگیریم که آن شخص قبلا برای فریناز خسروانی ایجاد مزاحمت کرده باشد مسئله تازه و عجیبی نیست چرا که چنین رفتارهایی يك امر متعارف و روزمره ماموران اطلاعاتی حکومت علیه شهروندان بویژه زنان است. در ثانی در ایران تحت حاکمیت اسلام، مردسالاری بخشی از هویت حکومت اسلامی مندرج در قوانین جاری این مملکت است آنهم در حالیکه تعرض از جانب مهره ای از حکومت اسلامی صورت گرفته باشد که امری شناخته شده است.

احمد رحمانی: با توجه به اینکه احتمال بسیار زیادی می رود که آن فرد قبلا هم برای فریناز ایجاد مزاحمت کرده باشد، به نظر شما بسته به جایگاه زنان در ایران توضیح دهید چرا فریناز در این مورد به صاحب هتل یا دادگاه شکایت نکرده است؟

عبد گلپریان: زنان و در سطح عمومی تری جوانان مدام مورد تعرض و اذیت و آزار ماموران حکومت اسلامی هستند. تهدید و بقتل و باج خواهی نیز یکی از روشهای همیشگی ساختار اسلامی، ماموران و نهادهاش بوده است تا جاییکه ماموران حکومت اسلامی آزادانه دستشان برای تعرض به شهروندان نیز کاملا باز نگه داشته شده است. از این رو و بفرض اینکه فریناز با مزاحمتهای مکرر مامور مورد نظر هم روبرو بوده باشد، سؤال نباید این باشد که چرا شکایتی نکرده است بلکه ابتدا سؤال این است که چرا مامور اطلاعاتی رژیم با و بدون شکایت شخص مورد تعرض واقع شده باید بخود این اجازه را بدهد که شخصی آنهم دختری را مورد آزار، تهدید و تجاوز قرار دهد و برای او مزاحمت ایجاد کند؟. در کجای ایران تحت حاکمیت این رژیم موردی را سراغ دارید که یک زن و یا دختر جوان از دست درازی، مزاحمت و تجاوز توسط مامور دولتی شکایتی کرده باشد و نتیجه شکایت او منجر به

پیرامون این وقایع در میدیای اجتماعی و شبکه های فیس بوک، این موضوع بعنوان مختلف مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مقامات رژیم با اظهار نظر در رسانه های خود، شروع به سناریو سازی پیرامون این واقعه کردند که بعضا ابهاماتی را در فضای اجتماعی موجب شد. برای پرداختن به چند و چون این مسئله سعی کردم مجموعه این ابهامات و ناروشنیها را که در شبکه های اجتماعی مطرح شد را در چند سؤال گردآوری کنم و آنها را با عبد گلپریان در میان بگذارم که به این سؤالات پاسخ دهد. با این مقدمه وارد طرح سؤال اول میشوم. آنگونه که شواهد نشان میدهد فرد مذکور یکی از مهره های اماکن در شهر مهاباد بوده است و اماکن هم بعنوان يك نهاد امنیتی کار بازرسی هتل ها و غیره را بعدد دارد حالا سؤال این است: آیا مدیر هتل در این مورد نقشی داشته است؟ همانطور که نهادهای امنیتی گفته اند آن شخص قبلا از فریناز درخواست ازدواج کرده است و این تا چه حد میتواند واقعت داشته باشد؟

عبد گلپریان: تمام اخبار و گزارشات رسیده از سوی مردم در مهاباد این را میگوید که مالک هتل در تلبانی با مامور اماکن در این ماجرا نقش داشته است. بی دلیل نبوده و نیست که مالک هتل برای گریز از خشم مردم هم اکنون در حمایت دستگاه اطلاعاتی رژیم قرار دارد. آتش زدن هتل تارا شهادی بر اثبات این واقعت است.

در مورد بخش دیگر سؤال بنظر من آوردن این نقل قول از نهادهای امنیتی که گویا «آن شخص قبلا از فریناز درخواست ازدواج کرده است» و یا هر اتفاق دیگری از این نوع در سطح کشور، همگی سناریوهای ساختگی مقامات رژیم هستند که فقط برای لاپوشالی کردن این جنایت بهم بافته میشوند که سر سوزنی نه حقیقت دارد و نه اعتبار. لذا آوردن نقل قول از آنها نه تنها کمکی به روشن شدن ماجرا نمیکند بلکه این دادستان سربایی ها بیشتر از هر چیز دیگری فقط بخاطر ایجاد گرد و خاک پیاوردن و مخدوش نمودن اصل

از صفحه ۳ پاسخ به چند سؤال...

پراکنده کردن جمعیت دست به تیراندازی علیه آنان میزنند، خشم و تنفر فرو خورده خود را بروز دادند و اقدام به آتش زدن هتل کردند. بنابراین مسئله ابتدا بساکن از آتش زدن هتل شروع نشد بلکه بر بستر آنچه که اشاره شد اتفاق افتاد که همه این اتفاقات پیش زمینه های شکل گیری ابراز خشم مردم را بحق و بدرست با خود به همراه داشت.

حتی اگر پیش زمینه هایی را هم که اشاره کرد نمی بود، باز هم مردم حق داشتند و حق دارند که در مقابل یک رژیم تا دندان مسلح و سرکوبگر، اعتراض و ناراضی خود را از آتش زدن هتل همدست مامور اطلاعاتی گرفته تا ویران کردن هر دم و دستگاه سرکوب دیگر رژیم، ناراضی خود را در مقابل سرپوش گذاشتن بر یک جنایت در روز روشن ابراز کنند.

احمد رحمانی: نظر شما در مورد تناقض و سنگ اندازی هایی که انجام میشود در این مورد که این اتفاق را مشکوک جلو میدهد چیست؟ مثلاً میگویند او حسابدار هتل بوده و محل کارش در طبقه همکف در پذیرش هتل بوده است، پس در طبقه چهارم هتل در آن اتاق چکار میکرد؟ آیا این صحت دارد یا بازم سناریو هایی است که پرویوگندهای نزدیک به رژیم میخواهند آن جنایت را مثل ریحانه بی اعتبار کنند و باز تقصیر به گردن خود؟

عبدل گلپریان: اینکه موقعیت کاری فریناز خسروانی در هتل، حسابدار بوده یا در هر بخش دیگری مشغول بکار بوده است چیزی را نمی تواند در رخ داد یک جنایت کمرنگ کند و دلیلی بر این نمی تواند باشد که در همکف بوده یا در طبقه چهارم، چه حسابدار بوده باشد یا خدمتکار معمولی یا هر سمت دیگری در این هتل داشته است، مسئله این است که از طرف مالک هتل دستور گرفته است که اتاقهای هتل را فریناز به مامور اطلاعاتی یا همان بازرس نشان بدهد. این اقدام آگاهانه و با طرح و نقشه از قبل طراحی شده از سوی مالک هتل سازماندهی شده که فریناز این

وظیفه را به انجام برساند و اتاقهای هتل را به مامور اطلاعاتی نشان دهد. مردم مهاباد نیز این را تایید کرده اند. حتی اگر فریناز خدمتکار پارکینگ هتل و یا حتی نظافتچی هم بوده باشد فرقی در صورت مسئله نمیکند. اصل موضوع این است که وظیفه همراهی کردن مامور اطلاعات برای نشان دادن اتاقها از سوی مالک هتل به فریناز واگذار شده است حال در هر طبقه ای از هتل مشغول به کار بوده باشد. چنین گمانه زنی هایی تغییری در اصل ماجرا ایجاد نمیکند.

احمد رحمانی: نظرتان در مورد فضای میلتاریستی رژیم در مهاباد و دیگر شهرها چیست؟ شما این شرایط را چگونه ارزیابی میکنید بطوری که خیلی از رسانه ها و احزاب ناسیونالیستی دارند از این شرایط وام سیاسی میگیرند تا برای هویت تراشی ملی اعتباری دست و پا کنند؟

عبدل گلپریان: مالک هتل و مامور اطلاعاتی رژیم در این ماجرا دست داشته اند. بنا به ادعای مقامات محلی و فرماندار مهاباد اگر آن شخص مامور اطلاعاتی نبوده است چرا برای دفاع از او چند نفر دیگر را در روز پنجشنبه ۱۷ اردیبهشت بقتل میرساندند، چرا دهها نفر را زخمی و تعداد زیادی را دستگیر کردند؟ تمام این حرکتها و ایجاد فضای امنیتی و میلتاریستی در شهرهای کردستان قبل از هر چیز نشاندهنده پیامی شفاف و روشن از سوی رژیم به مردم است که مسبب قتل فریناز از همکاران رژیم بوده است. هر چند که جمهوری اسلامی هر گونه اعتراض و تجمعی را با سرکوب پاسخ میدهد اما اگر بنا بر ادعای رژیم مسبب این قتل مامور و بازرس حکومت نبوده است چه نیازی به مانور نظامی بود؟ صرف ایجاد فضای میلیتاریستی در شهرهای کردستان بخوبی بر این دلالت دارد که رژیم اسلامی از آنجا که قاعدتا حامی مهره های اطلاعاتی، حامی سرمایه داران و میلیونها چهره صاحب هتل تارا است، باید هم برای جلوگیری از خشم مردم فضا را امنیتی کند و در دفاع

از آنان با تنگ و گلوله به میدان بیاید. هیچ چیزی طبیعی تر از این نیست که دستگاه حکومت اسلامی وقتیکه میبیند اعضای شبکه های امنیتی و سود و سرمایه اسلامی اش با دست زدن به جنایتی که مرتکب شده اند و از سوی مردم مورد تعرض قرار گرفته اند، بدیهی است که تنگ و نیروی سرکوبش را به رخ مردم بکشد.

احمد رحمانی: در این شرایط خانواده فریناز چکار باید بکنند تا بتوانند عاملان این جنایت را معرفی کنند؟

عبدل گلپریان: خانواده فریناز چکار باید بکنند؟ خانواده فریناز بدون حمایت و بدون تجمیع اعتراضی مردم در مهاباد و دیگر شهرها کاری نمی توانند بکنند چرا که خانواده کسی چون فریناز آنهم کسیکه به این شیوه جنایتکارانه و توسط یک مامور حکومتی چنین عاقبتی برایش رقم زده شد، مدام تحت فشار و تهدید دستگاههای قضایی و مقامات حکومتی هستند تا کنون هم این فشار همچنان بر روی آنان وجود دارد. برای تمام مردم ایران روشن و عیان است که فشار بر خانواده کسی چون فریناز از سوی دستگاه اطلاعات و غیره سیاست رژیم است و بسیار بیشتر از فقدان فریناز برای آنان درد آور است. از یک طرف غم از دست دادن عزیزشان از سوی یک مهره اطلاعاتی و از سوی دیگر فشارهای هرروزه همان دم و دستگاه قاتل و تلاش برای ساکت کردن مردم و خانواده فریناز، سیاست همیشگی رژیم اسلامی بوده است و این مسئله رنج و درد مضاعفی را برای آنها به همراه دارد. راهکار این است که مردم مهاباد نباید خانواده فریناز را تنها بگذارند و مردم شهرهای کردستان و سراسر ایران نیز نباید مهاباد را تنها بگذارند. باید مردم آنان را در آغوش گرم خود و مورد حمایت عمیق خود قرار دهند. حمایت عمومی مردم و ابراز تنفر و انزجار آنان در هر حرکت اعتراضی علیه جنایت صورت گرفته شده میتواند قوت قلبی برای خانواده فریناز باشد که احساس کنند فریاد رس و حمایت کننده هزاران نفره و میلیونی دارند، که احساس کنند حضور مردم یعنی

ایستادگی برای اجرای عدالت توسط خود مردم. تا جاییکه این اعتراضات بتواند تنها در قدم اول مقامات حکومت را وادار به عذرخواهی و اعتراف بکند. این تنها قدم اول این کار است. قدمهای بعدی محاکمه مسبب و مسببین این جنایت توسط نمایندگان مردم مهاباد با حضور و شرکت عمومی مردم است. خواست آزادی تمامی دستگیر شدگان نیز یکی دیگر از خواستهای مردم است که در صورت عدم پاسخگویی به همه این مطالبات، تداوم و سر برآوردن و شعله ور تر شدن اعتراضات تا دست زدن به اعتصاب عمومی مردم را در پی خواهد داشت.

احمد رحمانی: بعنوان کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری در این رابطه چه اقداماتی انجام دادید و ارزیابی کلی تان چیست و چه فراخوانی رو به جامعه و شهروندان مهاباد دارید؟

عبدل گلپریان: حرکت اعتراضی مردم بجا، بحق و درست بود. این جنایت اگر در هر جای دیگری توسط ماموران حکومتی صورت میگرفت میبایست همین پاسخ درخور را از مردم میگرفت. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری از همان روز اول این واقعه موضوع را دنبال کرد، قبل از تظاهرات روز پنجشنبه و در حمایت از انجام هر تجمع و تظاهراتی در مهاباد و شهرهای دیگر رهنمود داد که به میدان بیایند و از طریق امکانات رسانه ای و نشر و انعکاس اخبار و گزارشات، واقعیت مسئله را برای افکار عمومی روشن ساخت. برای ما قابل پیش بینی بود که رژیم در مهاباد و دیگر شهرهای کردستان ژست نظامی بخود میگیرد و از این رو ضمن تاکید بر ادامه اعتراضات و اینکه ممکن است با ایجاد فضای امنیتی مانع از ابراز تنفر و خشم فرو خورده مردم بشوند، در صورت لزوم گزینه اعتصاب عمومی را که در شهرهای کردستان سنت جا افتاده ای در اعتراض به توحش اسلامی است پیش پای مردم گذاشت.

پیش تر در سال ۸۴ جنایت دیگری در مهاباد از سوی ماموران سرکوب رژیم صورت گرفت و شوانه قادری را بطرز وحشیانه ای با

اتوموبیل در خیابان بر روی زمین کشیدند و مردم هم پاسخ دندان شکنی به حکومت اسلامی دادند. اما باید بگویم که این دوره دیگر دوران ده سال قبل نیست که رژیم اسلامی بخواهد زهر چشم بگیرد. این رژیم پشم و پیله اش ریخته شده. نسبت به هر دوران دیگری در میان مردم ایران مورد تعرض، تنفر و آماج حمله قرار دارد. در سطح بین المللی و منطقه ای پیرامون مسئله هسته ای و تروریسم در انزوا قرار دارد. باندها و جناحهای حکومت لگد پرانی شان به همدیگر بیشتر شده است و فاکتورهای بیشتری از این دست سبب شده که نه تنها نمی تواند و قادر نیست پز ده سال قبل را بخود بگیرد بلکه از وحشت و ترس از خشم و عصیان مردم مهاباد اعلام کردند که فرد خاطی را بازداشت و با وثیقه سنگین نگه داشته اند. همین یک مورد گویای زبونی و درماندگی رژیم در مقابل اعتراضات مردم است.

فراخوان من به مردم در شهرهای کردستان و سراسر کشور این است که در حمایت از مردم مهاباد و در دفاع از کرامت انسانی در هر شکل و قامتی که می تواند به این توحش و بربریت ضد زن و ضد انسانی حکومت اسلامی اعتراض کنند. بدون تردید مردم ساکت نخواهند نشست و ایجاد فضای امنیتی هیچگاه هم درد بی درمان جمهوری اسلامی را علاج نکرده و نخواهد کرد. اعتراضات مردم بویژه در مهاباد و شهرهای دیگر کردستان مجدداً سر بر خواهد آورد. چه با تداوم اعتراضات خیابانی و چه با اعتصاب عمومی اینبار سیلی محکم تری به صورت حکومت اسلامی خواهند زد. حمایت مردم سراسر کشور از اعتراض و مبارزه مردم مهاباد گامهای بلندی توحش و جنایت رژیم اسلامی را عقب خواهد زد که بنوبه خود میتواند زمینه های پایان دادن به بیش از سه دهه، فقر، فلاکت، زندان، اعدام، شکنجه را فراهم سازد. دفاع از حرمت و کرامت انسانی و دفاع از همه شهروندان در سراسر کشور که از سوی دم و دستگاه يك حکومت هار و وحشی هدف قرار گرفته است، وظیفه خود مردم متحد، متشکل، سازمانده، و وظیفه هر انسان آزاده ای است. ***

تجمعات گسترده و هزاران نفره معلمان در شهرهای کردستان

همراهی کردند. پلاکاردها قابل توجه دیگری که در این تجمعات به چشم می‌خورد چنین است: ما معلمین اخراجی سالهای ۵۹ به بعد حمایت خود را از معلمان شاغل و بازنشسته اعلام میکنیم.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری به تمامی معلمان شرکت کننده و دیگر اقدشار ناراضی در این اجتماعات درود میفرستد و از خواست های بحق آنان حمایت میکند. حمایت بخشهای مختلف مردم، خانواده های دانش آموزان، کارگران، پرستاران و بازنشستگان از خواسته های معلمان گام بزرگی در جهت تحقق خواست و مطالبات همه مزدبگیران است. همبستگی و اتحاد معلمان در سراسر کشور ضامن موفقیت و پیشروی برای دستیابی به مطالبات بحق معلمان می باشد.

کمیته کردستان

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۷ اردیبهشت ۹۴

۷ مه ۲۰۱۵

مانند عائله مندی و بهبود شرایط کاری خود و فضای انسانی در مدارس شدند. تجمع کنندگان همچنین به میزان بودجه در نظر گرفته شده برای آموزش و پرورش در سال ۹۴ معترض هستند.

در تجمعات امرز قطعنامه های انجمن های صنفی شهرها و استانهای مختلف در این تجمعات قرائت شد و با کف زدن و تایید مواد آن از جانب معلمان مورد استقبال قرار گرفت. ابعاد وسیع تجمعات امروز در سراسر کشور عمق و گسترش این اعتراضات را یک بار دیگر به همگان نشان داد. شعارهای برجسته این تجمعات از این قرار بود: حقوق معلم یک میلیون خط فقر سه میلیون، وزیر بی لیاقت استعفا استعفا، پیشرفت جامعه در گرو رفاه حال معلم است، ما خواهان آزادی معلمان زندانی هستیم، ما خواهان بسته شدن پرونده های امنیتی علیه فعالین صنفی هستیم و...

در این تجمعات علاوه بر معلمان اقدشار دیگری از دانش آموزان، معلمان اخراجی، کارگران و مردم آزادیخواه حضور داشتند و معلمان را در این حرکت حق طلبانه

بنا به فراخوان سراسری معلمان تجمعات هزاران نفره معلمان در صبح روز ۱۷ اردیبهشت در شهرهای سنندج، مریوان، بانه، سقز، بوکان و همه شهرهای کردستان در هماهنگی با تجمعات گسترده معلمان در سراسر کشور برگزار و با حضور در مقابل ادارات آموزش و پرورش دست به تجمعات اعتراضی زدند. معلمان در تجمعات اعتراضی خود با تاکید بر مطالبات خود که در اسفند ماه ۹۳ و فروردین ۹۴ اعلام نموده بودند، علاوه بر خواست افزایش دستمزد، خواهان آزادی هر چه سریعتر معلمان زندانی و لغو کلیه احکام قضایی علیه فعالین صنفی شدند. معلمان در تجمعات اعتراضی خود و در تاکید و پافشاری بر طرح خواسته های تجمعات ماههای اخیر خواهان آزادی تشکل، ایجاد تسهیلات لازم برای تامین مسکن، استخدام معلمان حق التدریسی، ارائه بیمه درمانی و تکمیلی، اجرای قانون بازنشستگی پیش از موعد و پرداخت سریع و کامل پاداش بازنشستگی، رفع کلیه قوانین تبعیض آمیز علیه زنان معلم

برابر و بالای خط فقر هستیم". علیرغم تشبث روحانی به معلمین و تلاش برای ممانعت از برگزاری تجمعات ۱۷ اردیبهشت شعارها در تجمعات سوم تعرضی تر شد. "خط فقر سه میلیون، حقوق ما یک میلیون"، "آزادی معلمان زندانی، بدایق، باقری و هاشمی"، "آقای وزیر! هشدار"، "وزیر بی لیاقت، استعفا استعفا"، "معلمان باید مدیران مدارس را انتخاب کنند"، "معلم فریاد میزند، رسانه سانسور می کند"، "دغدغه معلم معیشت است"، "معلم بیدار است از تبعیض بیزار است".

برای معلمین راه بازگشتی وجود ندارد. زمینه های پیشروی و اعتراض و اعتصاب بیشتر از گذشته فراهم شده. معلمین تشبث و آویختن روحانی به تجمعات اعتراضی را دور زدند. علیه فشار امنیتی و پلیسی رژیم جمهوری اسلامی و نهادهای امنیتی



اصناف محفوظ دانسته و به رسمیت می شناسیم. من نسبت به معلمین نیز حق اعتراض را به رسمیت می شناسم، ما مشکلات آنان را می دانیم و البته آنان نیز مشکلات ما را می دانند".

روحانی صدای اعتراض هزاران نفر از معلمین در تجمعات اول و دوم را شنید با موضعگیری مزورانه ضمن "برسمیت" شناختن اعتراض معلمین آنها را به دنباله روی از دولت و قبول ریاضت کشی اقتصادی، تحمیل معیشت چهاربرابری دستمزد زیر خط فقر فراخواند. و واکنش نظام جمهوری اسلامی در تجمع سوم دستگیری و فضا سازی امنیتی بود. خامنه ای در ۱۶ اردیبهشت، یک روز قبل از تجمعات سراسری معلمین بر شدت فضای امنیتی افزود و گفت: "اینهایی که با عنوان معیشت یک شعار می دهند، چند شعار فتنه گرانه و سیاسی و خطی هم در پهلوی می گنجانند". فشار نیروهای امنیتی شدت گرفت و تعدادی از فعالین معلم دستگیر شدند. علیرغم اراجیف و مفت گویی های خامنه ای در ۱۷ اردیبهشت سومین تجمع و میتینگ های اعتراضی معلمین در تهران و ده ها شهر از جمله در بیشتر شهرهای کردستان برگزار شد. میتینگ معلمین با استقبال بسیار گسترده و با شرکت هزاران نفر توجه جامعه و افکار عمومی در شهرهای ایران و خارج از کشور را بخود جلب کرد. در تهران بیش از سه هزار نفر شرکت کردند. در سنندج بیش از هزار نفر در میتینگ حضور داشتند و اعلام کردند: "ما خواهان حقوق و معیشت

های تحصیل، کمبود بودجه و نا هماهنگی بودجه ناچیر دولت با نیازهای آموزش و پرورش و در حوزه مشکل شغلی، رفاهی و امنیتی معلمین، معلمان با وارد شدن به این دو حوزه از جنبش معلمان و خواست و مطالباتشان چهره ای مسئول، همه جانبه و دلسوز به جامعه را معرفی کردند. جامعه و مردم از اعتراض و تجمعات معلمان حمایت کردند که سمپاتی بیشتری را جلب کرد.

دهم اسفند ۹۳ نقطه اوج مبارزات معلمان بود که در تهران و در شهرهای مختلف در شهرهای کردستان از جمله سنندج، مریوان و سقز هزاران معلم به خیابانها آمدند و این حرکت اعتراضی گسترده آنچنان انعکاسی داشت که به خبر داغی در جامعه تبدیل شد. در این تجمعات معلمین اعلام کردند "خط فقر سه میلیون، حقوق ما یک میلیون". با آوردن این شعار معیشت، رفاه و حقوق مناسب به پرچم همه گیر میلیونها نفر از کارگران و مزدبگیران جامعه تبدیل شد. مرحله اول و دوم اعتراضات ستون های اصلی حاکمیت دولت و مجلس را به یک مصاف طبقاتی کشاند. مطالبات معلمین شفاف با شعار معیشت و منزلت و افزایش حقوق و مزایا بار دیگر همه گیر در میتینگ و تجمعات مطرح شد.

در ۱۴ اردیبهشت سه روز قبل از برگزاری تجمعات هدفه اردیبهشت حسن روحانی گفت: "معلمان ممکن است مشکلات معیشتی داشته باشند و تلاش دولت به عنوان شاگردان آنان این است که در حد توان کمک کند، البته ما حق اعتراض را برای تمام اقدشار و

همبستگی مبارزات کارگران، معلمان و کل جامعه بر سر خواست حقوق و معیشت برابر و بالای خط فقر، اتکای معلمان به نقطه قوت های مبارزاتی شان است و به صف متحد و قدرتمند مبارزاتی شان. پیگیری سازمانیابی معلمان در شبکه های اجتماعی به آنها امکان داده است هر جا که با سازشکاری و توقف اعتراضات خود در میانه راه رویرو شوند، خودشان فوراً مبتکر اعتراض و حرکت شوند و جلو بیایند. از جمله در این دوره ما شاهد جلو آمدن معلمان رادیکال و قرار گرفتن عملی آنها در صدر فعالیت های کانون در شهرهای مختلف بوده ایم و این روندی است که باید ادامه داد و تا همین جا دست آوردهای معلمین در سطح سراسری و برای کل همبستگی با فعالین کارگری و فعالین زنان به منظور فراخواندن تمام شهرها برای اعتصاب عمومی و اقدامات تعرضی و کارساز.

۲۳ اردیبهشت ۹۴

۱۲ ماه مه ۲۰۱۵

نگاه هفته: ویژه اطلاعیه ها و اخبار مربوط به وقایع مهاباد

آتش کشیده شده است.

در همین رابطه مردم شهرهای سنندج، مریوان، پیرانشهر، شنو، بوکان و سقز اعلام کرده اند که تجمع و اعتراضات خود را در روز جمعه ۱۸ اردیبهشت، در حمایت از حرکت شجاعانه مردم آزاده مهاباد و در محکومیت قتل فجیع فریناز خسروانی برگزار خواهند کرد و با حضور در تجمعات خیابانی تنفر و انزجار خود را علیه ماموران سرکوب و تجاوز و علیه دم و دستگاه جهل و جنایت اسلامی نشان خواهند داد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری به مردم شهرهای مهاباد، سنندج، مریوان، پیرانشهر، شنو، بوکان و سقز درود میفرستد و از تمامی مردم دیگر شهرهای کردستان میخواهد که به این حرکت اعتراضی ملحق شوند و روز جمعه و روزهای دیگر نیز اعتراضات و تجمعات خود را در صفتی متحد و یکپارچه علیه آدمکشان اسلامی در اشکال تجمع اعتراضی تا اشکال دیگری همچون اعتصاب گسترش دهند.

کمیته کردستان

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۸ اردیبهشت ۹۴

۸ مه ۲۰۱۵

.....

**شهرهای کردستان
نظامی شده است**

به دنبال اعتراضات وسیع مردم مهاباد، در دیگر شهرهای کردستان فراخوان به تجمع داده شد. جمهوری اسلامی برای جلوگیری از اعتراض مردم با نیروهای مسلح و گارد ویژه، شهرهای کردستان را نظامی کرده است. بر اساس گزارشی که به ما رسیده است با اعزام گردانهای گارد ویژه از میانآب به مهاباد و اعزام نیروهای ضد شورش از پادگانها به

جمعه ۱۸ اردیبهشت در حمایت از مردم مهاباد و در اعتراض به کشته شدن فریناز خسروانی دست به تجمع اعتراضی خواهند زد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری از همه مردم شهرهای کردستان می خواهد با مردم مهاباد، مریوان، بوکان، شنو و پیرانشهر همراه شده و خشم و تنفر خود را از مزدوران و کل بساط سرکوب حکومت ابراز دارند.

حضور گسترده شما مردم آزادیخواه و مبارز شهرهای کردستان در تجمعات اعتراضی و در محکومیت عوامل حکومت اسلامی میتواند اوباشان اسلامی را عقب زده تا بار دیگر به خود جرئت ندهند دست به تجاوز و جنایت بزنند.

کمیته کردستان

حزب کمونیست کارگری

۱۷ اردیبهشت ۹۴

۷ مه ۲۰۱۵

.....

**مردم شهرهای کردستان به
حمایت از اعتراضات مردم مهاباد
می پیوندند**

بنا به اخبار رسیده به کمیته کردستان حزب، مردم و جوانان شهر مهاباد از دیروز تا نیمه های شب و متعاقب آن تا صبح جمعه در خیابانها به اعتراضات خود ادامه دادند. فضای شهر مهاباد همچنان ملتهب است و مردم در خیابانها حضور دارند. بنا به خبرهای دریافتی بعد از به آتش کشیده شدن هتل تارا از سوی مردم معترض و خشمگین مهاباد، در اثر تیراندازی نیروهای سرکوب رژیم به سوی مردم، کشته شدن ۱ نفر و زخمی شدن ۱۵ نفر گزارش شده که حال دو تن از زخمی ها وخیم است. بنا به این خبر یک خودروی نیروهای مزدور رژیم به



**مردم آزادیخواه مهاباد
در تجمع اعتراض خود
هتل تارا را به آتش کشیدند**

همدستان احتمالی اش و آمرین و عاملین تیراندازی بطرف مردم باید در يك دادگاه علنی به محاکمه کشیده شوند.

کمیته کردستان

حزب کمونیست کارگری

۱۷ شهریور ۹۴

۷ مه ۲۰۱۵

.....

**فراخوان کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری
به مردم شهرهای کردستان**

مردم مبارز و آزادیخواه شهرهای کردستان!

همانطور که اطلاع دارید روز پنجشنبه ۱۷ اردیبهشت مردم مبارز مهاباد در اعتراض به کشته شدن فریناز خسروانی که در تلاش برای فرار از تجاوز مامور حکومت از طبقه چهارم هتل تارا به پایین پرتاب شد، به خیابان آمدند که با تیراندازی مزدوران حکومت مواجه شدند. مردم خشمگین مهاباد بعد از تجمع و تظاهرات به محل هتل تارا رفتند، آنجا را به آتش کشیدند و تنفر و ناراضی خود از جمهوری اسلامی و ماموران وزارت اطلاعاتش را بنمایش گذاشتند. مردم مهاباد بعد از به آتش کشیدن هتل تارا به یکی از مراکز اطلاعاتی رژیم نیز حمله کردند. بنا به اخباری که تا این لحظه به کمیته کردستان حزب رسیده است در جریان تیراندازی ماموران آدمکش اسلامی یک نفر کشته و سه نفر زخمی شده اند.

نباید بیش از این اجازه داد چنین وقایع دلخراشی تکرار شود. بنا به اخبار منتشر شده، مردم شهرهای مریوان، بوکان، شنو و پیرانشهر اعلام کرده اند که روز

طبق گزارشات رسیده به کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری جمعیت زیادی از مردم مهاباد به خیابان ریختند تا به جنایت مامور وزارت اطلاعات که منجر به قتل فریناز خسروانی شد اعتراض کنند. مردم خشمگین بعد از رسیدن به مقابل هتل تارا که فریناز خسروانی برای نجات خود از دست مامور وزارت اطلاعات رژیم از طبقه چهارم آن خود را به پایین انداخت، این هتل را به آتش کشیدند. اعتراض همچنان ادامه دارد. مزدوران حکومت در وحشت از گسترش اعتراض مردم مرتکب قتل دیگری شدند و با تیراندازی بسوی جمعیت یک جوان را به قتل رساندند.

جمهوری اسلامی اکنون مرتکب دو جنایت شده است. هم مسئول مرگ فریناز است و هم عامل سرکوب و به قتل رساندن یکی از تظاهرات کنندگان. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری جنایت نیروهای انتظامی را محکوم میکند و به مردم مبارز و آزادیخواه مهاباد درود میفرستد و از اعتراض آنان قاطعانه حمایت میکند.

دولت که میداند یکی از مزدورانش قصد تجاوز به فریناز را داشته و مسبب قتل او شده است، برای جلوگیری از آبروریزی بیشتر تلاش میکند روی مساله سرپوش بگذارد و مانع روشن شدن مساله شود. مردم باید خود کمیته حقیقت یابی تشکیل بدهند و امر تحقیق درمورد مرگ فریناز را به عهده بگیرند و گزارش دقیقی از این اتفاق به مردم بدهند. مزدور وزارت اطلاعات و

داخل دیگر شهرهای کردستان کل فضای شهرها را میلیتاریزه کرده اند.

در شهرهای سنندج، مریوان، سقز، بوکان، اشنویه، مهاباد و پیرانشهر مردم اوضاع شهر را غیر عادی و کاملاً نظامی گزارش کرده اند.

بنا به اخبار رسیده به کمیته کردستان حزب نیروهای مسلح حکومت اسلامی از اوایل صبح جمعه ۱۸ اردیبهشت شهر سنندج را بحالت امنیتی در آورده و نیروهای گارد ویژه ضد و شورش را که شغلی جز تجاوز، قلدری و ایجاد نا امنی برای مردم ندارند در سطح شهر پخش کرده اند.

در مریوان نیروی یگان ویژه در شهر مریوان مستقر شده اند. در اطراف محله شیرنگ در نزدیکیهای مرکز شهر صدای تیراندازی و درگیری شنیده شده است. طبق اخبار رسیده به محل استقرار گارد ویژه حمله شده است. شهر مریوان به حالت تعطیل درآمده است و خبر اختلال در خط های تلفن و اینترنت هم گزارش شده است. خبر درگیری در اطراف شهر اشنویه هم گزارش شده است. در بیشتر شهرهای کردستان به شکل غیر عادی نیروهای نظامی مستقر شده اند. نظامی کردن شهرها توسط یگانهای ویژه و ارتش و سپاه و نیروهای انتظامی توسط جمهوری اسلامی ترس آنها از اعتراضات رادیکال و انقلابی مردم را نشان میدهد.

اما جمهوری اسلامی هیچ وقت نتوانسته و نمیتواند با نظامی کردن شهرها مانع بروز خشم و اعتراض بحق مردم بشود. ایجاد فضای امنیتی در شهرها چیزی جز هراس و سراسیمگی رژیم اسلامی نیست. مردم این جانوران زبون و مفلوک را خوب میشناسند. بیش از سه دهه

صفحه ۷





اسلامی با اقدامات نظامی و با وارد کردن نیروهای لباس شخصی، هراس از اعتراضات خیابانی و تجمع را آشکارا به مردم نشان داده است. جواب محکم به تحریک نظامی و امنیتی - نظامی کردن شهر، در گرو دست گرفتن اقدامات ابتکاری پخش تراکت و پلاکارد در محکومیت شرایط نظامی کنونی است.

سردشت: سهیلا به همراه دخترش صفا حسنی پور، از دستگیر شدگان روز ۱۹ اردیبهشت سردشت میباشند. در گزارشات قبلی اخبار اعتراضات مردم شهر سردشت در حمایت از مردم مهاباد را به اطلاع رسانیم همچنین در این گزارش خبری ذکر شد که بیش از ده نفر دستگیر شده اند. که سه زن به اسامی: شنو خضری، سهیلا حسنی پور و صفا حسنی جزو دستگیر شدگان می باشند.

مهاباد: طبق آخرین اخبار از مهاباد به خانواده دستگیر شدگان روزهای گذشته اعلام شده است که خانواده های دستگیر شدگان میتوانند ابتدا برای آزادی عزیزانشان ۵۰ میلیون وثیقه نقدی همراه داشته باشند.

ایجاد فضای امنیتی در شهرهای کردستان نشاندهنده وحشت و هراس رژیم از اعتراضات روبه گسترش مردم است. تمامی دستگیر شدگان روزهای اخیر بدون قید و شرط باید هرچه زودتر آزاد شوند.

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری
۲۲ اردیبهشت ۹۴
۱۲ مه ۲۰۱۵

گزارشهای رسیده تعداد زیادی از شهروندان مهابادی دستگیر شده اند، در ادامه همین گزارش آمده است یکی از جوانان زخمی شده در جریان اعتراض مردم شهر مهاباد در روز پنجشنبه ۱۷ اردیبهشت که توسط مزدوران مورد ضرب شتم قرار گرفته بوده متأسفانه بینائی خود را از دست داده است.

کمیته کردستان حزب اعلام میکند اعتراضات مردم شهر مهاباد دفاع از حرمت و ارزشهای انسانی بوده است. تعرض اشکار مزدوران حکومت هار اسلامی به شهروندان معترض مهاباد محکوم است.

کمیته کردستان حزب از مردم سراسر ایران میخواهد که مردم مهاباد را تنها نگذارند. وجدانهای بیدار، انسانهای آزادیخواه برابری طلب به هر شکل به این تعرض اشکار علیه مردم شهر مهاباد و نظامی کردن شهرهای کردستان اعتراض کنید. تمامی دستگیر شدگان در جریان تظاهرات روز پنجشنبه باید فوری و بدون قید و شرط آزاد شوند. باید به تجمعات اعتراضی خود تا محاکمه عاملین قتل فرخنده و خواست آزادی همه دستگیر شده گان ادامه دهیم.

کمیته کردستان حزب
۲۰ اردیبهشت ۹۴

وحشت رژیم از اعتراضات مردم در شهرهای کردستان

سنندج: بنا به اخبار رسیده به کمیته کردستان حزب حالت فوق العاده نظامی در شهر سنندج برقرار است. نیروهای نظامی - امنیتی رژیم جمهوری اسلامی در شهر و اماکن عمومی با رفت و آمدهای غیر عادی بر میزان و شدت فضای امنیتی افزوده اند. رژیم جمهوری

است با این هیولای آدمکش می جنگند.

زنده باد
مردم مبارز مهاباد
زنده باد
همبستگی و اتحاد مردم
کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری
۱۸ اردیبهشت ۹۴

تظاهرات در سردشت در حمایت از مردم مهاباد

تظاهرات روز شنبه ۱۹ اردیبهشت در سردشت از ساعت ۴ بعازظهر از خیابان شیخ مولانا نزدیک آتش نشانی شروع و تا خیابان کمرندی نزدیک بانک سپاه ادامه داشت. این تجمع اعتراضی مورد حمله نیروهای امنیتی قرار گرفت. بعد از اینکه نتوانستند با گاز اشک آور مردم را متفرق کنند بسوی جمعیت شروع به تیراندازی کردند.

در جریان تیر اندازی حداقل یک نفر زخمی و حدود ۲۰ نفر هم دستگیر شدند. شعار و پلاکاردها: "مهاباد تنها نیست". "فریناز تنها نیست". "ما خواهان معرفی و محاکمه عاملین قتل فریناز هستیم".

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری
۱۹ اردیبهشت ۹۴
۹ مه ۲۰۱۵

اخباری از مهاباد

بر اساس گزارشی که روز یکشنبه ۲۰ اردیبهشت از شهر مهاباد به کمیته کردستان حزب رسیده است، از روز شنبه ۱۹ اردیبهشت خطوط اینترنتی مختل شده است. مزدوران رژیم محلات را تقریباً محاصره کرده و به تفتیش خانه ها پرداخته اند. بنا به

تارا اقدام جوانان و مردم جسور و حق طلب مهاباد علیه کل این حکومت و در عین حال زهر چشم گرفتن از سرمایه داران مرتجعی بود که با همدستی با مزدوران حکومت و با قربانی کردن مردم، سود و سرمایه خود را کرور کرور بالا میبردند. حمله و محاصر کردن اطلاعات و سوزاندن پرچم جمهوری اسلامی، دادن شعار مرگ بر خامنه ای و ما همه فریناز هستیم بدرست نشانه گرفتن جمهوری اسلامی، قوانین ارتجاعی و نهادهای این حکومت سرکوبگر بود. باید در اینجا به مردم و بخصوص جوانان شهر مهاباد درود فرستاد. جمهوری اسلامی از ترس و وحشت همگانی شدن این اعتراض شهرهای کردستان را میلیتاریزه کرد با این حال اما زنان و مردان جوان در شهر سردشت به خیابان آمدند و اعلام کردند ما همه فریناز هستیم.

اما این همه ماجرا نبود و نیست. جمهوری اسلامی با درست کردن سناریوهای دور از حقیقت و همچنین درست کردن سناریوهای دیگر از جانب صاحب هتل تارا کوشش میکند تا بگوید اعتراض مردم بیخود بود. تا مسئول هتل و مامور وزارت اطلاعاتش را تبرئه کند و مثل همیشه مطابق قوانین شنیع اسلامی این بار هم کوشید خطا را متوجه فریناز بعنوان یک زن و بعنوان قربانی مامور اطلاعاتش سازد.

ناسیونالیستها و مرتجعین هم که برتری نژادی و قومی پایه و اساس هویتشان است شروع به تبلیغات قومی و نژادی کرده اند، شعارهای همچون مهاباد اصفهان نیست و مردان کرد برای دفاع از ناموسشان به خیابان آمده اند را سر دادند.

اینها نشان میدهد اگر ایده آلهای انسانی و سوسیالیستی را از هر اتفاق اجتماعی دیگری بگیرند، جایی برای برخورد انسانی باقی نخواهد ماند. مرگ فریناز در اثر یک حرکت غیر انسانی و بر بستر قوانین و سنت های زن ستیز اسلامی اتفاق افتاد. چنین سناریوهایی را برای ریحانه هم درست کردند و عاقبت اعدامش کردند. فریناز طبق قوانین شنیع

۱۲ مه ۲۰۱۵

در اعتراض به قتل فریناز خسروانی به میدان بیایم



عبدل گلپریان

همگان اطلاع دارند که روز دوشنبه ۱۴ اردیبهشت ماه یک مامور وزارت اطلاعات تحت پوشش بازرسی به هتل "تارا" می‌رود اما با ترافدهای مختلف درب اتاق را به روی فریناز میندند و به قصد تجاوز به او نزدیک میشود. در این لحظات فریناز به دوست و همکارش زنگ می‌زند و تقاضای کمک میکند. اما طبق برنامه از قبل طراحی شده کمک رسانی به او ممکن نمیشود. فریناز تنها راه نجات خود را رسانیدن خود از طبقه چهارم به طبقه سوم میداند اما موفق نمیشود و با سقوط به پایین متأسفانه فوراً جانش را از دست میدهد. گفته میشود این مامور اطلاعاتی بازرس اداره اماکن مهاباد بوده است.

در قوانین اسلامی و در نظام سراپا نکبت و ضد زن جمهوری اسلامی چنین رویدادهایی بخشی از فرامین اسلام، شرع و قرآن است. اگر فریناز با مامور متجاوزگر درگیر میشد و برای دفاع از خود همان کاری را میکرد که ریحانه جباری انجام داد، دم و دستگاه کذایی جمهوری اسلامی طبق قوانین اسلام می‌کرد. او را به مرگ محکوم میکرد. و اگر قادر به دفاع از خود نمیشد و مامور تجاوزگر حکومت اسلام و خدا نیت خود را عملی میکرد، طبق همین قوانین پوسیده اسلامی و قرون وسطایی این رژیم به سنگسار محکوم میشد. احتیاج چندانی به توضیح این قوانین و آیات قرآنی آن در نظام اسلامی حاکم بر ایران نیست چرا که عمر سراپا نکبت این رژیم تا کنون زنان و دختران زیادی را با همین اعمال ضد انسانی به کام مرگ فرستاده و مردم سراسر کشور از پرونده تجاوز و جنایات این حکومت بخوبی آگاهی دارند.

هر کس میتواند برای لحظه ای هم که شده است خود را در موقعیت فریناز خسروانی قرار دهد و تجسم کند. تمام راهها بروی او بسته بوده. شاید فکر میکرد که با به پایین انداختن خود از طبقه سوم یا چهارم هتل ممکن است اقلان زنده بماند. بی گمان و بدون تردید فریناز مثل همه ما زنده بودن و زندگی را دوست داشته است اما او نیز همچون هزاران زن و دختر جوان دیگر خود را در همان جهنمی گرفتار دیده است که اسلام و قوانین ارتجاعی حاکم بر ایران طی بیش از سه دهه برایشان بوجود آورده است.

فریناز خسروانی اکنون در میان ما نیست و بیگمان کسی چون او همچون میلیونها دختر دیگر عاشق زندگی و آینده ای موفق برای خود هیولایی بنام اسلام و جمهوری اسلامی از او و بسیاری دیگر گرفته است. قلب هر انسان آزاده و شرافتمندی با شنیدن چنین خبری و تجسم چنین رویدادی عمیقاً بدر می‌آید و هر کس ممکن است از خود پرسد چکار باید کرد؟

تنها راه افسار زدن به این هیولای ضد زن اعتراض وسیع و گسترده مردم در همه جا بویژه در شهرهای کردستان و مهاباد است. هیچ راه دیگری بجز اعتراض، مبارزه، تجمعات گسترده مردم برای کنار زدن و پایان دادن به این همه جنایات و وحشیگری ماموران حکومتی که قوانین اسلامی اش متجاوزگران و دیگر نیروهای سرکوب را بیمه کرده است وجود ندارد. بنابراین نباید ساکت نشست، باید خواهان روشن شدن جزئیات این واقعه و خواهان محاکمه عاملان قتل فریناز شد.

فریناز قربانی بربریت ضد زن اسلامی شد. نباید اجازه داد که اسلام و قوانین اسلامی و ماموران داعشی حکومت بیش از این از ما قربانی بگیرند. مردم مبارز مهاباد کارنامه درخشانی در اعتراضات خود علیه وحشیگریهای حکومت

اسلامی بویژه اعتراض و اعتصاب عمومی در رابطه با قتل شوانه قادری توسط جنایتکاران اسلامی را با خود دارند. بیگمان در مقابل این رویداد هم ساکت نخواهند بود. میتوان مراسم خاکسپاری فریناز را به اعتراضی عمومی و گسترده علیه توحش حکومت، علیه ماموران سرکوب و متجاوزش و علیه قوانین اسلامی آن تبدیل کرد. این کار عملی و شدنی است فقط با اتحاد، همبستگی و حضور گسترده در تجمعات اعتراضی علیه این جنایات و بکارگیری شیوه های مختلف دیگر، از اعتصاب عمومی گرفته تا اعتراضات و تجمعات عمومی و توده ای دیگری، میتوان باید این باندها و لمپنهای اسلامی حکومت را سرچای خود نشانند.

۱۶ اردیبهشت ۹۴

مه ۲۰۱۵

به زنان، مردان، جوانان و مردم آزاده و جسور مهاباد

عبدل گلپریان

مردم شریف، مبارز و آزادیخواه مهاباد،

شما با حرکت و تجمع اعتراضی و پرشور خود در روز پنجشنبه ۱۷ اردیبهشت نشان دادید که در مقابل جنایات بی شمار حکومت اسلامی و ماموران مزدورساکت نخواهید نشست. جمهوری اسلامی باید بداند که ابراز خشم و تنفر شما در رابطه با طرح و ترغیب مامور حکومتی و هم‌دستانش در امر تجاوز که منجر به قتل فریناز خسروانی شد و عکس العمل بحق و شجاعانه شما مردم شریف در مقابل کاندسترها و لمپنهای حکومت اسلامی را بدنبال داشت بی پاسخ نمی ماند. اقدام شما مردم شریف مهاباد قابل انتظار بود و از این رو عمیقاً ستودنی است. شما با از خود گذشتگی در برابر ماموران سرکوب یک حکومت بغایت وحشی نشان دادید که نخواهید گذاشت سناریوی ریحانه ها و فرینازها بار دیگر تکرار شود.

ادامه تجمعات و اعتراضات گسترده شما به اعمال ضد انسانی عوامل و مهره های حکومت اسلامی که هر روز در هر گوشه ای

اتفاق میافتد میتواند اوباشان حکومت اسلامی را افسار بزند. ماموران سرکوب حکومت هر روز و هر لحظه به عناوین مختلف در تجاوز و دست درازی به حق و حقوق مردم مرتکب قتل و دیگر اعمال وحشیانه علیه شهروندان میشوند. از کارگران کولبر مرزی که روزانه مورد هدف سلاحهای جیره خواران رژیم قرار میگیرند و جانشان را از دست میدهند گرفته تا اذیت و آزار مردم در مراکز شهرها بعنوان مختلف و از بازداشت و دستگیری رهبران کارگری، بعنوان محبوب ترین شخصیتها و چهره های دلسوز مردم گرفته تا مورد اخیر، مرگ فریناز خسروانی، تنها گوشه بسیار کوچکی از توحش روزانه تفنگ بدستان و قداره بندگان آدمکش حکومت اسلامی است.

مقامات قضایی اعلام کرده اند که با تعیین وثیقه سنگین در صدد بررسی این پرونده هستند. مردم هوشیار مهاباد اما فریب این نوع وعده های دستگاه قضایی حکومت در لباس دایه دلسوزتر از مادر را نخواهند خورد. این تفلها تنها بخاطر فرو نشاندن آتش خشم، اعتراض و نارضایتی مردم است. قضات و دستگاه قضایی رژیم اسلامی نه تنها حامی مجرمان این واقعه دردناک هستند بلکه خود نیز پرونده سیاهتری از ماموران اطلاعاتی زیر بغل دارند. ایجاد یک کمیته حقیقت یاب برای بررسی پرونده فریناز خسروانی تنها در صلاحیت نمایندگان مردم معترض مهاباد است. تجمعات و اعتراضات شما با خواست محاکمه علنی عاملان اصلی ارتکاب قتل فریناز خسروانی میتواند مقامات و قضات کاغذی و کذایی حکومت در مهاباد را وادار به پذیرش این جنایت که تنها از عهده مهره ها و ماموران حکومت اسلامی ساخته است

بکند. حمایت و تجمع اعتراضی مردم شهرهای دیگر کردستان و هر جای دیگر از اعتراضات مردم مهاباد وظیفه هر انسان آزاده و شرافتمندی است که نمی خواهد یکبار دیگر شاهد چنین فاجعه ای باشد. علاوه بر تجمعات اعتراضی میتوان با هر ابتکار و استفاده از هر شیوه دیگری چون اعتصاب عمومی به این حرکت برحق خود ادامه داد. جمهوری اسلامی و مقاماتش در

مهاباد باید شيرفهم شوند که پاسخ مردم ميتواند فراتر از آنچه يزي باشد که روز ۱۷ اردیبهشت در مقابل هتل تارا انجام گرفت.

۱۷ اردیبهشت ۹۴

مه ۲۰۱۵

مردم مبارز و آزاده مهاباد را تنها نگذاریم

ماموران و نیروهای مزدور رژیم اسلامی در شهرهای کردستان زبون تر و مغلوب تر از هر دوران دیگری بسر می‌برند. نه تنها ماموران حکومت بلکه کل سراپای حکومت اسلامی بویژه در شهرهای کردستان درهم ریخته تر از هر زمانی هستند که بتوانند در مقابل موج خروشان و نارضایتی مردم بستوه آمده تحرکی از خود نشان دهند. خشم اعتراضی مردم مهاباد در روز پنجشنبه نشان داد که اوباشان حکومت تجاوز و آدمکش اسلامی علی‌رغم در دست داشتن ابزار سرکوب اما در مقابل حرکت توده ای و خشم و نفرت مردم تاب مقاومت را نداشتند.

اکنون دیگر کسی نه تنها در شهرهای کردستان بلکه در سراسر کشور یافت نمیشود که بنحوی از انحا مورد اذیت و آزار، نا امنی، تجاوز، تهدید زندان، شلاق، فقر و فلاکت از سوی باندها و مزدوران حکومت اسلامی قرار نگرفته باشد. این وضع دیگر برای هیچکس قابل تحمل نیست.

با توجه به اعلام آمادگی مردم آزادیخواه و برابری طلب چند شهر در حمایت از مردم مهاباد و در دفاع از کرامت انسانی زنان و کلیه شهروندان در شهرهای مختلف و افزوده شدن شهرهای دیگر به حمایت از مردم مهاباد، مد نظر قرار دادن نکات زیر برای تجمعات مردم بویژه ایفای نقش جوانان حائز اهمیت است.

۱ با اطلاع رسانی از طریق وایبر و دیگر امکانات میدیای اجتماعی همدیگر را در سطح شهر مطلع کنید که با حضور گسترده ای تجمعات اعتراضی برگزار شود. این کار توسط فعالین، شخصیتهای با اتوریته اجتماعی و جوانان محلات میتواند سازماندهی شود. از همین طریق شهرهای دیگر نیز میتوانند در تماس و هماهنگی با هم عمل کنند.

از صفحه ۸ در اعتراض به قتل فریناز ...



۲ مکان و یا مکانهای آترناتیو را باید مد نظر قرار داد که در صورت حضور نیروی سرکوب، بتوان بدون کمترین مشکل تجمع و حرکت اعتراضی را در مکانهای پیش بینی شده و پر رفت و آمد برگزار کرد و حرکت را ادامه داد.

۳ از برگزاری تجمعات اعتراضی در حاشیه شهرها یا کوه کمر که مکانهای پرتی هستند و مزدوران میدان مانور بیشتری برای جولان دادن دارند باید پرهیز کرد و بجای آن تجمعات اعتراضی را در داخل شهر و در مکانهای پر رفت و آمد و شلوغ که مردم معترض حضور دارند و میتوانند براحتی به آن پیوندند برگزار کرد. این کار سبب میشود که هم جمعیت بیشتری در تجمع شرکت داشته باشد و اینکه دست مزدوران حکومتی را هم برای مزاحمت، سرکوب و اذیت و آزار خواهد بست.

۴ در صورت دستگیری و یا بازداشت احتمالی هر تک نفری از

سوی ماموران، جمعیت و بویژه جوانان با واکنش سریع میتوانند فرد یا افراد دستگیر شده را از دست جانیان اسلامی بیرون بکشند.

۵ با شعار "عاملان و بانیمان قتل فریناز خسروانی باید بطور علنی محاکمه شوند"، "ماموراسلامی عامل تجاوز"، و دیگر شعارهای انسانی و در حمایت از زنان و کلیه شهروندان را میتوان سر داد.

باید کاری کرد که یکبار برای همیشه دست ماموران، نیروهای

اطلاعاتی و دیگر باندهای لمپن اسلامی را از سر مردم کوتاه کرد. این کار شدنی است و تنها با نیروی متحد و توده ای همه مردم و ادامه آن در این اعتراضات ممکن خواهد شد.

به امید برگزاری تجمعات سازمانیافته، گسترده و توده ای در همه شهرهای کردستان

عبدل کلپریان
۱۸ اردیبهشت ۹۴
۲۰۱۵ مه ۸

پيام تسليت كميته كردستان حزب كمونيست كارگري ايران به خانواده هاي محترم صبيعه سيابي، كلاچوي و مردم شهر سنندج!



انسانی و کمونیستی از دست داد. دایه صبیعه یکی از مادران مبارزی بود که در شهر سنندج با روحیه انقلابی طی حاکمیت جمهوری اسلامی نقش ارزنده ای در به هم پیوستگی و اتحاد مادران مبارز در شهر سنندج ایفا نمود و تا آخرین روزهای زندگی پر از افتخار به فرزندان انقلابی و کمونیست خود افتخار می کرد و خواستار ادامه راه گرامیشان بود. یاد و خاطره او همیشه عزیز و گرامی خواهد بود.

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری
۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۴
۱۱ ماه مه ۲۰۱۵

با کمال تأسف اطلاع یافتیم که مادر مبارز صبیعه سیابی در سن هشتاد و پنج سالگی در شهر سنندج در گذشت. مادر صبیعه یکی از مادران مبارزه شهر سنندج بود که چهار فرزند مبارز و انقلابی اش، رفقا: شوکی عزیز، شهلا و رحمت کلاچوی را در راه آرمانهای

پی خبری از وضعیت فعالین کارگری و اعضای کمیته هماهنگی در بند اداره اطلاعات سنندج

آرام و فواد زندی دو برادر و دو فعال کارگری بعد از گذشت ۲۵ روز بازداشت و با وجود پی گیری های مکرر خانواده همچنان در وضعیت نامشخصی به سر می برند و در طول مدت بازداشت، نامبردگان تنها یک بار با خانواده تماس تلفنی داشته اند.

اداره اطلاعات خانواده این فعالین را تهدید کرده و عنوان کرده اند که نباید هیچ کسی در رابطه با وضعیت عزیزانشان با آنها ارتباط بگیرد و همچنین مادر ۷۰ ساله شان را تهدید به بازداشت نموده اند.

حامد محمودنژاد فعال کارگری و اعضای کمیته هماهنگی مدت ۲۳ روز است که در بازداشت گاه اداره اطلاعات سنندج به سر می برد. این فعال کارگری که يك کارگر جوشکار و تنها نان آور خانواده است تنها به جرم اینکه نتوانسته در پی تماس نیروهای امنیتی به اداره

اطلاعات مراجعه کند در بازداشت به سر می برد

پدرام نصرالهی فعال کارگری و از اعضای کمیته هماهنگی که سال گذشته بعد از گذراندن ۱۹ ماه زندان به خاطر عضویت در کمیته هماهنگی و فعالیت های کارگری از زندان آزاد شد این بار نیز جهت ایجاد رعب و وحشت در میان کارگران و فعالین کارگری در استانه اول ماه مه روز جهانی کارگر توسط نیروهای اداره اطلاعات مورد ضرب و شتم مامورین قرار گرفت و بازداشت شد.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری ضمن محکوم کردن برخورد توهین آمیز و تهدید آمیز با خانواده های این فعالین، خواستار آزادی فوری و بدون قیدوشرط نامبرگان می باشد.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری
۲۱ اردیبهشت

سوسیالیسم راه نجات ما است!

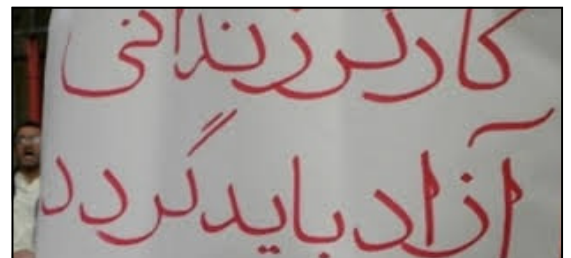
بیش از سه دهه است از زندگی ما دزدیده اند. اقلیتی مفتخور میلیاردر شده اند و اکثریت کارگر و زحمتکش سفره هایشان تماماً خالی شده است. سالها استثمارمان کرده اند و هر وقت نخواستند ما را به خیابان رها کرده اند. ثروت های مملکت را قشر کوچکی بالا کشیده اند و ما را از هست و نیست ساقط کرده اند.

سپاه و بسیج و اطلاعات و نیروی انتظامی و مسلح درست کرده اند و هر وقت اعتراض کرده ایم آنها را به جان ما انداخته اند. دادگاه و زندان ساخته اند و ما را به جرم اعتصاب و اعتراض، به زندان و شلاق و جریمه های سنگین محکوم کرده اند.

گله آخوند تربیت کرده اند که خرافه رواج بدهند تا ما به همین زندگی جهنمی رضایت بدهیم. رسانه هایشان مدام دروغ میگویند و وعده های توخالی میدهند. سعی میکنند مردم را از کمونیسم و کمونیست ها بترسانند تا سرمایه داری را حفظ کنند و ثروت خود را افزایش دهند.

گولشان را نخوریم، اراجیف شان را باور نکنیم. تا سرمایه داری و دولت سرمایه داران سر کار است، سهم ما از زندگی همین است. راهی جز سوسیالیسم برای پایان دادن به سرمایه داری و فقر و نابرابری و بیکاری و زندان و شلاق و شکنجه نداریم. یا سرمایه داری و حکومت دزدان اسلامی یا سوسیالیسم و رفاه و آزادی.

سرنگون باد سرمایه داری و دولت دزد سرمایه داران!
زنده باد سوسیالیسم!
زنده باد حزب کمونیست کارگری!



از صفحه ۱ اخبار هفتگی از رویدادهای ...



مه در شهرهای سلیمانیه و اربیل برای حمایت از مردم شهر مه‌باد تظاهراتی برگزار شد. در این تظاهرات مردم خواهان آزادی فوری دستگیر شدگان، محاکمه فوری عاملین قتل فریناز خسروانی و محکوم کردن حمله نیروهای امنیتی به اعتراض به حق مردم مه‌باد شدند.

تعویض زندانیان اقلیم کردستان و ایران!

روز پنجشنبه هفتم ماه مه سرکنسولگری ایران، مرتضی حسینی در شهر اربیل در دیدار با محمد هادیانی وزیر امور اجتماعی اقلیم کردستان خواهان عملی شدن توافقات اقلیم و رژیم اسلامی برای تعویض زندانیان دو طرف می‌شود. در این باره محمد هادیانی گرچه تاکید کرده که این تعویض شامل زندانیانی می‌شود که خود آنها خواهان بازگشت به کشورشان و به پایان رساندن مدت محکومیتشان در کشور خود می‌باشند، اما با توجه به رابطه حسنه رژیم اسلامی با احزاب ناسیونالیست حاکم، تلاش این رژیم برای به دام انداختن مخالفین و کارنامه سیاه و تروریستی این رژیم در سرکوب مخالفان خود، بیم آن می‌رود که رژیم اسلامی از این موقعیت استفاده کرده و خواهان بازگشت زندانیانی شود که از دست رژیم فرار کرده اند و در صورت بازگشت به ایران با مجازاتهای بسیار سنگین تری روبرو خواهند شد.

سرنوشت مفقودان جنگ داخلی در اقلیم!

بنا بر تازه ترین خبرها، سوران عمر مسئول حقوق بشر در اقلیم کردستان اعلام کرده که، آخرین

خبرها این است که: "بیش از ۴۰۰ نفر از مفقودان جنگ داخلی در اقلیم کردستان در قید حیات نیستند و مدرک برای این ادعا هم نامه ای است به امضای کریم سنجاری وزیر داخلی اقلیم کردستان که در آن از پارلمان اقلیم می‌خواهد که با قراری تمام چهارصد نفر مفقود جنگ داخلی را بعنوان شهید برسمیت بشناسند". لازم به ذکر است که در دهه نود احزاب ناسیونالیست حاکم و بویژه حزب دمکرات و اتحادیه میهنی چندین بار علیه هم دست به اسلحه بردند، صدها نفر از همدیگر را قتل عام کردند، اتحادیه میهنی به رژیم اسلامی پناه برد و حزب دمکرات هم به صدام و حزب بعث عراق. در این میان خانواده این مفقودان بیش از دو دهه است که به دنبال سرنوشت عزیزان خود هستند و امروز احزاب حاکم برای میرا کردن خود از مسئولیت جنگ داخلی، با جنایت، قتل و آدمربائی می‌خواهند یکجا همه مفقود گشتان بدست خود را بعنوان شهید برسمیت بشناسند.

جلسه مشترک اتحادیه میهنی و حزب دمکرات در سلیمانیه!

روز یکشنبه دهم مه دو هئیت اتحادیه میهنی و حزب دمکرات در شهر سلیمانیه جلسه ای مشترک تشکیل دادند که در بین جلسه هیرو ابراهیم از اتحادیه میهنی و نیچیروان بارزانی از حزب دمکرات جلسه را ترک می‌کنند و به دیدار جلال طالبانی می‌روند. گرچه اطلاعات زیادی در باره موضوع این جلسه پخش نشده اما همگان می‌دانند که یکی از بحثهای این روزهای احزاب ناسیونالیست حاکم، مسئله ریاست مسعود بارزانی بر اقلیم کردستان و اختلافاتشان در این رابطه است.

قتل دختر جوانی دیگر!

روز پنجم مه در شهرک "قلعه دیزه" جنازه دختر جوانی به اسم اوین خدر در خانه خودشان پیدا می‌شود. گفته می‌شود که اوین هم مثل چندین هزار زن دیگر در اقلیم کردستان به جرم ناموسی به قتل

رسیده. اقلیم کردستان تحت حاکمیت احزاب ناسیونالیست کرد به قتلگاهی برای زنان تبدیل شده و روزی نیست چندین زن قربانی ناموس پرستی، مذهب و مردسالاری نشوند و این در حالیست که احزاب حاکم کوچکترین اقدامی را برای مقابله با این وحشیگری علیه زنان انجام نمی‌دهند.

جلسات علنی نهاد سکولار در شهرهای اقلیم کردستان!

بعد از اعلام علنی نهادی سکولار در اقلیم کردستان برای دفاع از سکولاریزم، این نهاد تا هم اکنون در چندین شهر و شهرک جلسات علنی خود را با حضور صدها نفر از مردم برگزار کرده و به دفاع از سکولاریزم در اقلیم کردستان پرداخته اند. آخرین جلسه این نهاد روز شنبه نهم مه در شهر دربندیخان بود که در آن موسسین این نهاد فواد مجید مسیری، بهار منزیر، دکتر سالار باسیره و فتاح زاخویی در آن شرکت داشتند.

تیراندازی به مردم معترض روستاهای پیشه‌رو!

روز جمعه هشتم مه نمایندگان بیش از ۴۰ روستای مجتمع بسته سین از توابع پیشه‌رو دست به اعتراض می‌زنند که با دخالت و تیراندازی نیروهای امنیت مواجه شده که در نتیجه ۱۳ نفر زخمی می‌شوند. گفته می‌شود که مردم معترض مقاومت می‌کنند و آنها نیز تعدادی از نیروهای امنیتی را زخمی می‌کنند.

دستگیری یکی از تروریستهای داعش در شهر کرکوک!

بنا بر اخبار منتشر شده روز هفتم ماه مه یکی از مسئولان بلندپایه گروه تروریستی داعش در شهر کرکوک دستگیر می‌شود. در این باره انجمن امنیت اقلیم کردستان طی بیانیه ای اعلام کرده که با همکاری نیروهای امنیت اربیل و کرکوک روز هفتم مه عبدالمجید از گروه تروریستی داعش دستگیر می‌شود، این اطلاعاتی می‌افزاید که وی مسئول بسیاری از انفجارهای شهرهای اربیل و کرکوک در ماههای گذشته بوده است.

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی:

سوئد:

Sweden

Post Giro: 639 60 60-3

account holder: IKK

آلمان:

Germany

Rosa Mai

Konto. Nr.: ۵۸۳۶۵۷۵۰۲

Bankleitzahl: 37010050

Post Bank

کانادا:

Canada

ICRC

Scotiabank

۴۹۰۰ Dixie Rd, Mississauga

L4W 2R1

Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK

Darande hesab: FVIVN

Shomare hesab: 15 13 50 248

Adres: EINDHOVEN

IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America

277 G street Blaine, Wa 98230

phone# 1-360-332-5711

Masoud Azarnoush

Account number : 41581083

checking (99)

wire: ABA routing #026009593

swift code # BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England

Account nr. 45477981

sort code: 60-24-23

account holder: WPI

branch: Wood Green

Bank: NatWest

IBAN: GB77 NWBK 6024 2345 ۷۷۹۸۱

BIC: NWBK GB 2L

هر سوالی دارید می‌توانید با آدرس و یا تلفن زیر تماس بگیرید:

سیامک بهاری: 0046739868051

markazi.wpi@gmail.com

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250

E-mail: abdulgolparian1@gmail.com

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!